

## جلوه کار و کوشش از نگاه حکیم سنایی، حکیم انوری و خاقانی شروانی

محمد رعیت\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۱

محمدشاه بدیع زاده\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۹

محمود مهدوی دامغانی\*\*\*

### چکیده

کنکاش در اعماق ادبیات کهن ایران، به عنوان یک سند مهم تاریخی، موجب آشنایی بیش تر ما با گذشته اجتماعی خویش می‌شود؛ کار و تلاش برای استمرار حیات و رفیع نیازهای خویشتن و هم‌نوعان به عنوان یک ضرورت از گذشته تا به امروز بوده است. وجود ضرب‌المثل‌های فراوان در خصوص کار و تلاش نشان‌دهنده اهمیت آن نزد بزرگان و دقت مردمان در گسترش فرهنگ کار می‌باشد. به عنوان فرهنگ ادب عامه و نگاه جامعه شناختی با مراجعه به دیوان سنایی، انوری و خاقانی، به عنوان سردمداران نقد اجتماعی، می‌بینیم که سنایی پس از دوران تحول، به نقد جامعه و به ویژه مشاغل پرداخته و با شجاعتی کم نظیر از نقد شاه تا گدا پروا ندارد و مخالف سرسخت بیکاری است. انوری تعدد و تنوع مشاغل را لازمه کار اجتماعی دانسته و با توجه به زبان و بیان ساده و نزدیک به گفتارش، امثال و حکم بسیاری در خصوص کار از او به جا مانده است.

کلیدواژگان: کار، تلاش، کسب، سنایی، خاقانی، انوری.

## مقدمه

ادبیات منظوم ایران زمین، مشحون از دقایق، ظرایف و آموزه‌هایی از پیشینه فرهنگی و اجتماعی است که با تعمق در آثار بجا مانده، تصویر ناب فرهنگ کهن ایران آشکارتر می‌شود. به ویژه آنکه برخی شاعران بزرگ همچون حکیم سنایی، انوری و خاقانی، آغازگران شیوه‌ای خاص از تفکر و شعر اجتماعی و اخلاقی بوده‌اند.

یکی از جنبه‌های مشترک فعالیت‌های اجتماعی از گذشته تا کنون، کار میباشد؛ کار، جوهره طبیعت در سطوح گوناگون هستی و یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات فطری انسان است؛ آدمی به واسطه کار می‌تواند توانمندی‌های موجود در اندیشه و جسم خویش را به بار نشانده و خویشتن و جامعه خویش را از خمودگی و بطالت رهایی بخشد.

یکی از اقتصاددانان بزرگ اروپا بر این عقیده است که برای ایجاد تحول و توسعه اقتصادی، اساسی‌ترین بخش، ایجاد تحول فرهنگی و شکل‌گیری متعهدانه فرهنگ کار و تلاش است. به نظر وی جامعه با توسعه فرهنگی و میل به خواستن و پیشرفت می‌تواند خود را از رکود و نخوت دور و به رشد و توسعه دست پیدا کند (معیدفر، ۱۳۸۰: ۱۵).

وجود آموزه‌های نغز و پر محتوا در اقیانوس بی پایان ادبیات فارسی، همچون گنجینه‌ای گرانبهاست که می‌بایست بیش از پیش، از آن فرهنگ ناب برای بهره‌گیری و استخراج مفاهیم و اصول زندگی اجتماعی و ترویج فرهنگ کوشش و کار بهره‌برداری نمود و با کار آدمی نه تنها خود، بلکه مردم یک سرزمین را سربلند می‌سازد؛ «ز کار، گردد مردم بزرگ و نام آور» (مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۵: ۳۳۰).

آنچه تا کنون ممکن است در ذهن عموم مردم نسبت به ادبیات کهن ایران زمین و شاعران بزرگ فارسی نقش بسته باشد، ممکن است صرفاً از منظر مدح پادشاهان یا بیان زهد و تصوف یا ذکر محافل و مراسم بزم و داستان‌های عاشقانه بوده باشد؛ اما حقیقت آن است که شاعری، یکی از شغل‌های مرسوم بوده است و بعضاً شاعران برای خویش راویانی داشته‌اند که به نوعی مدرسان ایشان بوده و کارکردی همچون روزنامه‌های نوین داشته‌اند. شاعران صرفاً به مدح پادشاه یا امیران و حاکمان و وزیران مشغول نبوده‌اند؛ بلکه با توجه به تأثیرگذاری سخن موزونشان به نقد اجتماع و معضلات موجود و کاستی‌های ممدوحان و یا مشاغل و بازاریان نیز می‌پرداختند و به سبب همین سخن

موزون مؤثر خویش تحولاتی را نیز به وجود می‌آوردند؛ از جمله شاعران بزرگ و ناقد اجتماعی می‌توان به حکیم سنایی غزنوی، انوری/بیوردی و خاقانی شروانی اشاره نمود. با توجه به تأثیر و ماندگاری شعر و همچنین بازتاب رویدادها و معضلات اجتماعی و مشاغل در دیوان شعرای مذکور، در این مقاله ضمن بررسی دیوان این شعراء، به بررسی این نکته‌ها خواهیم پرداخت که نگاه آنان به کار و کوشش و بازتاب مشاغل و فرهنگ کار در زمان خود چگونه است.

### پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه کار و کوشش در شعر فارسی»، منتشر شده در شماره ۳۱-۳۲ پژوهشنامه علوم انسانی که نویسندگان به اهمیت و چگونگی بازتاب فرهنگ کار در دیوان سه شاعر بزرگ فارسی: فردوسی، مولوی و سعدی پرداخته‌اند، و این نکته را مطرح نموده‌اند که کار در بستر تاریخ دچار تغییرات زیادی از نگرش و تعاریف شده است. هر یک از این شاعران با تأثیر از شرایط اجتماعی زمان خود، کار را تعریف کرده‌اند. فردوسی در «شاهنامه» کار را به عنوان بخشی از تجربه زندگی در عرصه‌ای مثل زراعت و صنعت معرفی می‌کند. سعدی در کتاب «گلستان» خود، کار کردن را یکی از راه‌های بدست آوردن استقلال معرفی می‌کند. مولوی در «مثنوی معنوی» خود در قالب تمثیل‌های زیبا کار و کوشش را یکی از راه‌های رسیدن به پروردگار می‌داند و کوشش بیهوده را بر تن پروری و ایستایی ترجیح می‌دهد.

### تعریف کار

کار بخش اساسی زندگی است و در مقاطع تاریخی مختلف و فرهنگ‌های متفاوت شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. تعاریف زیادی از جامعه متخصصان مختلف و با مکاتب فکری متفاوت برای کار ارائه شده است. در فرهنگ فارسی سخن کار چنین تعریف شده است: آنچه از کسی سر می‌زند، عمل و دیگر اینکه فعالیتی که شخص به طور روزانه به آن مشغول است و معمولاً بابت آن حقوق دریافت می‌کنند. کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و

هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌سازد(وکیلی، بی‌تا: ۱۵).

کارل مارکس، در تعریف کار اینگونه می‌آورد: «کار عبارت است از کنشی که بین انسان و طبیعت به وقوع می‌بندد. به این ترتیب کار، اساساً تغییری است که انسان با استفاده از فنون در طبیعت به وجود می‌آورد و طبیعت نیز بر انسان اثر می‌کند و او را تغییر می‌دهد»(توسلی، ۱۳۷۵: ۱۰).

کار از نظر اقتصادی، تلاش و کوشش توأم با رنج و زحمت بشر به منظور تولید مواد یا انجام خدمات مورد احتیاج است(پور همایون، ۱۳۴۴: ۱۰۹). در زبان و ادبیات فارسی، معانی کار و ورزش، به نوعی سرزندگی و نیرومندی و سودمندی را به خواننده القا می‌کند.

### جلوه کار در دیوان سنایی غزنوی

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های شعر سنایی، شیوه نقد اجتماعی اوست که با شهامت و شجاعتی بی‌اندازه در طول قصیده‌های عبرت‌انگیز و پندآموز خود تمام طبقه‌های اجتماعی و مشاغل و کارها را به تازیانة انتقاد شدید و طعنه‌های خشمگین می‌نوازد و از هیچ کس و مقامی پروا نمی‌کند(سنایی، ۱۳۸۹: ۳۷). پدر سنایی از خاندان‌های اصیل و در حواشی زندگی دولتمردان عصر و شاید در دربار غزنه بوده اما به نظر می‌رسد سنایی با کار بیگانه نبوده است؛ تجربه شخصی خود سنایی از کار و پیشه به دوران جوانی باز می‌گردد؛ هنگامی که هنوز پدرش زنده بود، وی به بلخ سفر کرد و این مسافرت گویا برای پیدا کردن شغلی و ممر معیشتی بوده است(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۴).

اگرچه حکیم سنایی در جای جای دیوان سترگ خویش از اهمیت توکل داشتن به خداوند می‌گوید؛ اما توکل را نافی تلاش و کوشش نمی‌داند بلکه اعتقاد و یقین به وکیلی حق و حسن ظن به او را سبب ایجاد رضایت و آرامش و بهتر به نتیجه رسیدن می‌داند؛ چنانکه در داستان حاتم و زنش به ظرافت به آن اشاره می‌نماید(موسوی سیرجانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

سنایی مخالف سرسخت و بی‌پروای بطالت و بیکاری است و این امر به نیکی و راه راست از موضوعات بسیار رایج دیوان اوست.

ای دل به کوی نقد زمانی قرار گیر  
بیکار چند باشی، دنبال کار گیر  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۳۰۹۸)

### اهمیت کار یدی از نظر سنایی

در اهمیت کسب هنر و کار در اندیشه و دیوان سنایی همین بس که می گوید چنانچه انسان هنرمند و کاردار، پیر و فرتوت شود باز به سبب همین هنر و دانش و تخصص خویش از اقبال و نیکیبختی و ارجمندی برخوردار است و انسان هنرمند اگرچه در حادثات زمانه و فراز و فرودهای روزگار با بی‌مهری‌ها و ناملایمات مواجه شود؛ اما بخت هنرمند یاری‌گر وی می‌شود و به قله‌های عزت و آبرو دست می‌یابد.

بیخ اقبال که چون شاخ زد از باغ هنر  
دولت باهنران را فلک مرد افگن  
گوشمالی دهد ایام ولیکن نه به خشم  
کی ز دوران فلک طعنه تقدیر شود  
گرچه پژمرده شود باز قبول آرد بر  
زند آسیب ولیکن نکند زیر و زبر  
تا هنر با خرد آمیخته گردد ز عبر  
هر که را بهر هنر، بخت بی‌رورد به بر  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۲۸۳۵-۲۸۳۸)

### هر کس و تخصص خود

حکیم سنایی معتقد است هر کاری ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی مختص به خود دارد و در نهاد انسان نیز خلق و خویی مطابق با برخی مشاغل شکل می‌گیرد و آنگونه نیست که هر کس در همه کار توفیق موفقیت یابد؛ لذا در جامعه، باید هر کس با توجه به تخصص و تجربه و دانش و علاقه خویش، به کار خود بپردازد و از ورود به سایر کارها خودداری کند زیرا موجب زیان به خود و دیگران و همچنین اتلاف وقت خواهد شد. تا که دهقانان چو عوانان قبا پوشان شدند

تخم کشت مردمان بی بار و بی بر کرده‌اند  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۱۴۹۰)

دین ز کرّار جو نه از طرّار  
خز ز بزّاز جو نه از خبّاز  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۳۱۵۰)

و ضرب المثل زیبایی از سنایی به جا مانده است که می‌گوید:  
کاری که نه کار توست مگسال      راهی که نه را ه توست مسپر  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۲۸۹۰)

### کار سودمند

حکیم سنایی، کاری را سودمند و مفید می‌داند که از نفع آن دیگران نیز بهره‌مند گردند نه اینکه هدف کار صرفاً جلب منفعت و انباشت سود برای فرد باشد:  
کم‌تر از نحلی نباید بود وقت انگبین      نفع او اندر درخت و کوه «مما یشعرون»  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۵۲۹۵)

آن دست و آن زبان که درو نیست نفع خلق  
جز چون زبان سوسن و دست چنار نیست  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۸۴۴)

### اهمیت تلاش و کوشش

حکیم سنایی معتقد است برای رسیدن به اهداف باید تلاش کرد و آدمی با کوشش و جویش می‌تواند به اهدافش دست یابد: «همه چیز را تا نجویی نیابی» (سنایی، ۱۳۸۹: ۱۰۲۱۴)، و چنانچه آدمی برای گشودن گره‌ها و مشکلات پیش آمده، از خود حرکت و تلاشی نشان ندهد مسلماً به نتیجه نخواهد رسید:

نشود در گشاده تا تو به دم      بر نیاری ز قفل و پرده دمار  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۲۰۷۷)

### اهمیت صبر در کارها

صبر در سایه تلاش به معنای کامل خویش دست می‌یابد و حکیم سنایی به این نکته، ظریفانه و هوشمندانه اشاره می‌نماید و در اهمیت صبر و بردباری در کارها اینگونه می‌آورد:

دوستی گفت صبر کن زیراک  
صبر کار تو خوب زود کند  
آب رفته به جوی باز آرد  
کارها به از آنکه بود کند  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۱۲۷۱۳-۱۲۷۱۲)

و می‌گوید، آدمی برای کسب مدارج و مراتب والا باید صبر و تحمل خویش را بالا  
برد؛ زیرا با صبر و صرف زمان است که آدمی پخته و باتجربه می‌شود:  
سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب  
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن  
ماه‌ها باید که تا یک پنبه دانه ز آب و خاک  
شاهدی را حله گردد یا شهیدی را کفن  
روزها باید که تا یک مشت پشم از پشت میش  
زاهدی را خرقه گردد یا حماری را رسن  
عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع  
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۴۸۵۶-۴۸۵۳)

از پی آن تا یکی گوهر به دست آرد مگر  
ننگری تا چند مایه رنج بیند کوهکن  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۵۲۴۴)

### اهمیت دانش و خرد در کار

دانایی در کار به چند شکل می‌تواند حاصل گردد، با مطالعه آثار و کتب مرتبط و یا  
با تلمذ و تجربه اندوزی از تجارب و دانش صاحبان کار و کسب؛ حکیم سنایی یکی از  
لازمه‌های موفقیت در کار را کسب آگاهی و دانش‌های به روز و مطابق با روزگار خویش  
می‌داند و می‌گوید:

قاعده کار زمانه بدان  
هر چه کنی جز به بصارت مکن  
(سنایی، ۱۳۸۹: ۹۶۷۱)

انسان خردورز و با دانش، در کارش موفق است و وجود و حضورش ارزشمند و پُر  
خیر است و آن سرمایه‌ای است معنوی و زوال ناپذیر که موجب رونق در کار می‌شود:

بی خرد گر کان زر داری چو خاک اندر رهی

خرد گر خاک ره داری چو کان اندر زری

(سنایی، ۱۳۸۹: ۶۵۰۵)

### ترکیب سازی و تصویر آفرینی‌ها

یکی از امتیازات و برتری‌های زبان فارسی به بیش‌تر زبان‌های دیگر، خاصیت پیوند پذیری و رویندگی و ترکیب کلمه‌ها با یکدیگر است؛ ترکیب سازی منحصر به زبان شعر نیست؛ اما در شعر موجب برجستگی و خوش آهنگی می‌شود. حکیم سنایی غزنوی با توجه به دانش و توانمندی خویش در علوم زمان و تجارب و دانش اجتماعی خویش، به ترکیب آفرینی‌هایی در حوزه مشاغل و کار دست یازیده که نمونه‌ای از آن در اینجا ذکر می‌شود:

بارنامه آهو، شاهدان شیرین کار، حله نیمکار آدم، کارگه کمال، دبیرستان عشق، مرد دندان مزد، مالداران توانگر کیسه درویش دل، عقل کارافزای، گربه نگاران گلخن، ریاست جوی رعنا، غله دار آز، سپیدکاری نگارخانه کن، بارنامه ما و من، کارداران کلام، سلامتخانه نوح نبی، کارخانه عقل، عقل شغل افزای کارآگاه، دزدان افسرجوی، برلت وعده، دستباف عنکبوت، نقاش شکرپاش گهرنوش، گندم نمای جوفروش، بارنامه بی نیازی.

### انوری ابیوردی

فریدالدین محمد بن علی الانوری ابیوردی، در مجموعه‌ای از معارف عقلی و نقلی از قبیل ریاضیات، نجوم، طب، هیأت، منطق، فلسفه، طب، طبیعیات و ادبیات عرب دارای تحصیلات عالی بود. پدرش از کارگزاران درباری بود و به گفته محمد عوفی در «جوامع الحکایات»، «رییس مِهَنه» بوده و «اموال بسیار» داشته است و «نعمتی بی حد»؛ از این نکات می‌توان دریافت که انوری در محیط خانوادگی نسبتاً مرفه متولد شده است؛ در جوانی پدرش را از دست داده و ثروت معتنا بهی از او به ارث رسیده است؛ اما انوری



میراث پدر را صرف عیاشی و خوشگذرانی کرده و پس از مدتی تهیدست شده و از سر ناگزیری به شاعری و مداحی امرا و سلاطین روی آورده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۷)

### شهر آشوب

در اغلب نسخه‌های دیوان /نوری قطعه طنزآمیز و بسیار زیبایی درباره چهار شهر از شهرهای خراسان بزرگ دیده می‌شود که گویند: آن شعر شهرهای بلخ و مرو و هرات و نیشابور را مورد نقد و نظر قرار داد؛ انتشار این شعر به نام /نوری، غوغایی در میان مردم بلخ برانگیخت و خشم ایشان شعله ور شد و شاعر را که اتفاقاً در آن ایام در بلخ بود گرفتند و معجری بر سر او کردند و در شهر گرداندند و قصد کشتن او را داشتند و این یکی از مواردی بود که این نوع شعر، مصداق لغوی خویش را که شهر آشوب است، پیدا کرد، اما جمعی از بزرگان بلخ که از دوستان و ممدوحان /نوری بودند، از قبیل قاضی حمید الدین بلخی و ابوطالب علی نعمه و صفی الدین عمر و چندین تن دیگر به حمایت /نوری برخاستند و او نیز یکی از زیباترین قصاید خویش را در این باره سرود و در آن از سرودن چنین قطعه‌ای تبری جست و بلخ را ستود و بزرگان آن را مدح گفت، تا از این مهلکه جان سالم به در برد. حقیقت امر هم، همین بود که گوینده آن شعر، /نوری نبود، بلکه یکی از شاعران معاصر او فتوحی مروزی بود که با /نوری نوعی رقابت و معارضه داشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۱).

### اهمیت کسب هنر

حکیم /نوری برای هنر و هنرمندی و کسب و کار ارزش زیادی قائل است و تأکید وی به کسب هنر به دور از مال اندوزی و دنیا طلبی صرف است.

پیشی ز هنر طلب نه از مال	اکنون باری که می‌توانی
هان تا به خیال بد چو دونان	در حال حیات این جهانی
افزون نکنی بر آنچه داری	قانع نشوی بدانچه دانی

(انوری، ۱۳۷۲: ۷۵۵)

### کار سودمند

*انوری* بهترین کار در جهان را کاری می‌داند که فایده مند برای دیگران باشد و از نفع آن سایر مردم بهره مند گردند در غیر این صورت باید آدمی به دنبال یادگیری و آموختن چنین کاری همت گمارد.

خواهی که بهین کار جهان کار تو باشد زین هر دو یکی کار کن از هرچه کنی بس یا فائده ده آنچه بدانی دگری را یا فائده گیر آنچه ندانی ز دگر کس (انوری، ۱۳۷۲: ۶۵۷)

و در این صورت است که نفع این کار در ابتدا به خود فرد برمی‌گردد همچنان که اگر شخصی در حق دیگری بدی کند، نتیجه آن بدی به خودش باز خواهد گشت؛ زیرا این آموزه‌ای دینی و حکمی الهی است:

همچو سعی خویش بد بیند جزا

هر که سعی بد کند در حق خلق

لیس للإنسان إلا ما سعی

همچنین فرمود ایزد در نبی

(انوری، ۱۳۷۲: ۵۱۴)

### تنوع کار، نیاز جامعه

حکیم *انوری* بر این عقیده است که تعدد و تنوع مشاغل در اجتماع، لازمه کار اجتماعی و هر یک تکمیل کننده کار دیگری است و جامعه ناگزیر از این تنوع است:

کار خالد جز به جعفر کی شود هرگز تمام

زای یکی جولاهگی داند یکی یرزیگری

آن شنیدستی که نهصد کس نباید پیشه ور

تا تو نادانسته و بی آگهی نانی خوری

(انوری، ۱۳۷۲: ۴۵۴)

نکته حایز اهمیت از نگاه *انوری* این است که هر شغلی در جامعه تکمیل کننده شغل دیگری است. بنابراین آدمی می‌بایست از زیر بار آن کار شانه خالی نکند و در جای خود به بهترین نحو ممکن به آن بپردازد.

آدمی را چون معونت شرط کار شرکتی است

نان ز کناسی خورد بهتر بُود از شاعری

(انوری، ۱۳۷۲: ۴۵۴)

### سختی‌های مشاغل

هر کاری در دنیا یک نوع سختی و مشکلات ویژه خود دارد و اینگونه نیست که هر انسان فکر کند فقط کار و شغل او سخت بوده و شغل دیگری آسودگی است لذا آنچه که مهم است تحمل سختی‌های کار و مداومت در آن است که موجب موفقیت می‌شود.

نیست بی غصه به گیتی هیچ کار  
در زمانه هیچ شخص آسوده نیست

(انوری، ۱۳۷۲: ۵۷۱)

### بهره مندی از زمان و روزگار

حکیم/انوری به ما آگاهی می‌دهد که عمر، ابدی نیست و سرانجام باید این زندگی فانی را بدرود گفت:

بر کشتی عمر تکیه کم کن  
کاین نیل نشیمن نهنگ است

(انوری، ۱۳۷۲: ۷۳)

بنابراین آدمی باید از زمان‌های خود به نحو مطلوب بهره گیرد؛ زیرا نعمت عمر قابل برگشت و ترمیم و اصلاح نیست. پس بهترین کار، بهره مندی مطلوب از موقعیت‌های زندگی و تلاش برای سودمند ساختن آن است.

روز را رایگان از دست مده  
نیست امکان آنکه باز رسد  
دست این روزها کوتاه است  
که بدان دولت دراز رسد

(انوری، ۱۳۷۲: ۶۰۴)

### آفت کار

انوری معتقد است مهم‌ترین آفت و آسیب کار، خود فریفتگی و غروری است که ممکن است به آدمی دست بدهد؛ بنابراین باید همیشه با آگاهی و هوشیاری مواظبت نماید که به این آسیب دچار نشود:

تیغ زنگ از آب گیر ملک نقصان از غرور

زین سپس رایش به ملک و جاه نا مغرور باد  
(انوری، ۱۳۷۲: ۱۰۰)

### اهمیت خرد و دانش

انوری نیز همچون حکیم سنایی به کسب دانش در کارها و خردورزی تأکید دارد و  
آنگونه آن را با اهمیت می‌داند که معتقد است چنانچه در هر کاری، عقل و خرد پیشوا و  
پیشرو آن کار شود بی شک نیکبختی و نیک اختری نصیب فرد خواهد شد.  
عقل را در هرچه باشی پیشوای خویش ساز

زانکه پیدا او کند بدبختی از نیک اختری  
(انوری، ۱۳۷۲: ۴۵۵)

وی دانایی را لازمه سعادت می‌داند و می‌گوید انسانی که به دقت و مواظبت، کاری را  
بیاموزد، محال است که آن آموخته از خاطرش محو گردد و همان موجب می‌شود که  
فرد به پله‌های ترقی و پیشرفت دست یابد.

هر کو به مواظبت بخواند چیزی	با او به همه حال بماند چیزی
آخر پس از آن، از آن به چیزی برسد	چیزی نبود هر که نداند چیزی

(انوری، ۱۳۷۲: ۱۰۳۵)

### امثال و حکم در شعر انوری

یکی از نقاط قوت زبان و بیان/انوری، ساختار طبیعی زبان شعر اوست که از نحوی  
بسیار ساده و نزدیک به زبان گفتار برخوردار است و همین موجب گسترش نفوذ وی در  
میان اقشار مختلف اجتماع گردیده است که در اینجا به نمونه‌هایی از امثال و حکم رایج  
مرتبط با مشاغل و کارها و فرهنگ کار از این شاعر بزرگ اشاره می‌شود:  
ترف عدو تُرُش نشود زآنکه بخت او

گاوی است نیک شیرده ولیکن لگدزن است  
(انوری، ۱۳۷۲: قصیده ۳۶)

روز را رایگان ز دست مده

نیست امکان که باز رسد

(انوری، ۱۳۷۲: ۶۰۴)

گاوِ گردون هرگز اندر خرمن عمرت مباد

تا مه نو کشتزار آسمان را هست داس

(انوری، ۱۳۷۲: قصیده ۱۰۶)

از وفا فرزند اندوه تو را

دل ز مادر مهربان تر دایه ای است

دل، پوستین به گازر غم داد و طرفه آنک

روز و شبم هنوز همی پوستین کند

(انوری، ۱۳۷۲: قصیده ۱۲۶)

گویِ چو زر شود همه کارت چو زر بود

کارت ز بی زری است که چون زر نمی شود

(انوری، ۱۳۷۲: قصیده ۱۴۴)

به دندان مزد جان خواهی که آبی یک زمان با من

گواه آری روا باشد حریف آب دندانم

(انوری، ۱۳۷۲: قصیده ۲۲۳)

سگ داند و کفشگر که در انبان چیست (انوری، ۱۳۷۲: رباعی ۶۷)

### خاقانی شروانی

در میان شعرا، این خاقانی است که به دقت هرچه تمام‌تر از چگونگی وضعیت شغل و حرفه پدر و مادر و جد خویش زبان به میان آورده است؛ خود وی مشاغل و کارهای گوناگون را درک و تجربه کرده است و به بیانی دیگر می‌توان اینگونه گفت که وی شاخصه‌ها و فرهنگ کار و بازار و تعبیرات و اصطلاحات آن را به عینه تجربه کرده است. پدر او نجار بود.

جز زیر تیشه پدر خویشتن نیند

نچار گوهرم که نجیبان طبع من

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۷۵)

و مادرش نیز پیشه طباحی و نساجی داشته:

ساج نسبتم که صناعات فکر من      آلا ز تار و پود خرد جامه تن نیند  
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۶)

هستم ز پی غذای جانور      طبّاخ نسب ز سوی مادر  
(خاقانی، ۱۳۶۸: هفت)

در «تحفة العراقین»، جدش را هم جولاه معرفی می‌کند:

جولاه نژادم از سوی جد      در صنعت من کمال ابجد  
(خاقانی، ۱۳۶۸: هفت)

عمویش کافی‌الدین عمر بن عثمان، طبیب و فیلسوف بوده و در ابتدا به علت آنکه نمی‌خواست پیشه پدر را در پیش گیرد از او رنجیده خاطر شد و نزد عمویش رفته و عربی و طب و نجوم و فلسفه را از او می‌آموزد:

طبعم به سه علم ساخته راست      آن سه که ز عقل و هم ز حس خاست  
(خاقانی، ۱۳۶۸: سیزده)

وجه امتیاز خاقانی نسبت به دیگر شاعران بکار بردن لغات و ترکیبات خاص و ساختن ترکیبات گوناگون است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۵۳).

### ناقد تیزبین دغل‌های مشاغل و اجتماع

چنانچه یکی از اساسی‌ترین وجه تمایز شاعر را با مردم عادی، قدرت و قوت احساس و روح سریع‌التأثیر او بدانیم، ویژگی خاص خاقانی همین است که شاعری را صرفاً برای کسب مال به کار نینداخته و این محرک شریف و والا در روح او به جولان آمده است. این شاعر بزرگ، از آن افراد تند ذهن و تیز احساسی است که ناهنجاری‌های زندگی و اجتماعی آن‌ها را رنج می‌دهد.

بدین ترتیب دیوان خاقانی پر است از شکایات و بدبینی و آینه‌ای روشن از اوضاع اخلاقی و اجتماعی او نقدهایی که وی از جامعه بیان می‌کند حتی منطبق بر اوضاع امروز ما نیز هست (دستی، ۱۳۶۴: ۱۴۶). به عنوان نمونه، خاقانی در زمان خود از تاجران و بازاریانی پرده برمی‌دارد که متقلبان و مزورانه با استفاده از گوشت گاو، زعفران قلبی ساخته و روانه بازار می‌ساخته‌اند.

هر جا که محرمی است خسی هم حریف اوست

آری ز گوشت گاو بُود بار زعفران

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۱۳/۵)

### پندهایی برای طالبان ریاست و مسئولیت

خاقانی با توجه به بینش و دانش همچنین طبع عالی و فطرت پاک خود، به دقت هرچه تمام تر نکات آموزنده‌ای را با زبان تأثیرگذار خویش برای طالبان مسئولیت بیان می‌کند. به عنوان مثال:

تا تو ناز فروتران نکشی	مر تو را لاف برتری نرسد
چون کسی زیر بار بر تو نیست	بر سر اوت سروری نرسد
ور عطا بخشی و زنی بر سر	هم تو را بر سران سری نرسد

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۶۶)

در پذیرش مسئولیت باید از شتاب و عجله پرهیز نمود؛ زیرا لازمه مسئولیت، داشتن تجربه لازم و صرف زمان است و مسلماً زمانی که موقعیت آن فرا رسد بی شک مقدمات آن فراهم می‌شود:

گل با همه خرمی که دارد	از بعد گیا رسد به بستان
بس شاخ که بشکفد به خرداد	میوه ش نخورند جز به ابان
افزار ز پس کنند در دیگ	حلوا ز پس آورند بر خوان

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۴۸)

از جمله نکات اخلاقی که این شاعر بزرگ برای طالبان ریاست و سیادت برمی‌شمارد آن است که انسان‌های بزرگ و صاحب مقام نباید از فروتران و پایین دستان دوری گزینند و بهتر است همنشینی و مرواده با اینان را فراموش نکنند و از خوان احسان مادی و معنوی خویش، مستمندان و فرودستان را بهره مند سازند.

سربلندان چون به مخدومی رسند	خادمی خاک پست خود کنند
مهتران چون خوان احسان افکنند	کهتران را هم نشست خود کنند

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۸۲)

### همت در کار و تلاش

آدمی برای رسیدن به اهداف خویش و کسب موفقیت در کار ناگزیر از تلاش و کوشش است؛ و این پشتکار و تلاش برای انسان به دست نمی‌آید مگر با درک قدرت اراده و همت؛ بنابراین بزرگ‌ترین سرمایه وجودی انسان وجود اراده و همت در اوست که موجب دستیابی فرد به اهداف و عامل مؤثر پیشرفت و موفقیت وی می‌شود؛ *خاقانی* معتقد است که با وجود همت است که سخت‌ترین کارها، آسان می‌شود.

کار، صعب آمد به همت برفزود  
گوی، تیز آمد ز چوگان درگذشت  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۱۵)

### تخصص در کار

هر کس با توجه به دانش، تجربه و توانمندی خود در کاری متخصص و متبحر می‌شود و قادر به نقد و نظر در آن کار می‌تواند باشد؛ البته آدمی بهتر است برای رسیدن به هدف خویش در حوزه و میدان دانش و کار خویش فعالیت نماید.

بی دیده کی شناسد خورشید را هنر  
یا کوزه‌گر چه داند یاقوت را بها  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۵۵۲)

### تأثیر دعای پدر و مادر در موفقیت در کار

*خاقانی* بسیار زیبا به تأثیر دعای بزرگان و والدین در موفقیت اشاره می‌نماید:

آری منم از دعای پیران  
خورده بر کشتزار شادی  
هم کرد مرا دعا گه نزع  
گفت افضل شرق و غرب بادی  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۹۳۳)

### اشاره به بازارهای هفتگی

از جمله زیبایی‌ها و دقت بیان *خاقانی* در انعکاس فرهنگ کسب و کار در دیوانش اشاره به بازارهای موقتی از جمله بازارهای هفتگی است که به عنوان نمونه به این بیت اشاره می‌شود:



فرستم نسخه ثالث ثلاثه

سوی بغداد در سوق الثلاثه

(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۲۶)

### رزق و کار حلال و منشأ خیر بودن

خاقانی اینگونه می‌آموزد که آدمی می‌بایست در کار، صداقت و سلامت داشته باشد و نباید برای کسب رزقی افزون‌تر به حيله و نیرنگ دچار شود:

رزق جستن به حيله شیطانی است      شیطنت را لقب حیل منهید

(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۱۷۲)

و هنر آدمی در کارها این است که منشأ خیر رساندن باشد نه آنکه صرفاً به اندوختن مال و نفع خویش بیندیشد:

مرد باید که چون هنر ورزد      بحر باشد که امتحان ارزد

گاه ازو هر خسی دُری ببرد      گاه ازو هر سگی دمی بخورد

(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۹۱۳)

### تصویرسازی و تصویرآفرینی با مشاغل و کارها

از جمله توانمندی‌های این شاعر بزرگ، بهره‌مندی مناسب و زیبا از تجارب کار و مشاغل و تصویرسازی‌ها و عبارت‌پردازی‌های هوشمندانه و دقیقی است برای بیان مقاصد و نکات مورد نظر خویش.

در اینجا چند بیت به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

سینه ما کوره آهنگر است      تا که جهان افعی ضحاک شد

(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۷۶۶)

بر چادر کوه گازر آسا      از داغ سیه نشان برافکند

(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۵۰۹)

بر دل من نشان غم ماند چو داغ گازران      تا تو ز نیل رنگرز بر گل تر نشان گری

(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۴۲۱)

- خیاط روزگار به بالای هیچ کس  
پیراهنی ندوخت که آن را قبا نکرد  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۷۶۵)
- کعبه روغن خانه‌ای دان روز و شب گاو خراس  
گاو پیسه گرد روغن خانه گردان آمده  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۳۷۱)
- مصطفی کحال عقل و کعبه دگان شفاست  
عیسی اینجا کیست هاون کوب دگان آمده  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۳۷۰)
- به بازار خلقان فروشان همت  
طراز کرم را بهایی نبینم  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۲۹۳)
- چون به بازار جوانمردان رسم  
در صف لالان دکان خواهم گزید  
بر دکان قفل گر خواهم گذشت  
قفلی از بهر دهان خواهم گزید  
(خاقانی، ۱۳۶۸: غزل ۱۷۰)

### کار واژگان

با توجه به اطلاعات و نیز تجربه خود خاقانی از کارها و مشاغل روزگار و محیط اطرافش به ویژه به واسطه شغل پدر و مادرش و ارتباطاتی که از نزدیک با اقشار و طبقات مختلف جامعه پیدا می‌نموده است، ما در دیوان خاقانی بیش از هر شاعر دیگر به اصطلاحات و ابزار و واژگان کار مواجه می‌شویم که در اینجا فقط بخشی از آن به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

دغه، سوره، کلاوه، چرخ، مشتوت، میخ کوب، طناب، لوح پای، پاچاه، قرقره، بکره، نایژه، مکوک، تیشه، مثقب، کمانه، مُقل، خرط مهره، پره، دولاب، رنده، سیرکوب، بادفر، خیط، نعلسازی، شیشه گر، کاسه گر، مهندس، پره گر، مسطر نعل، میخ نعل، داس، سنبله، زین، رفوگر، پارنج، دسترنج، مزدور، داروکده، قلم زن، گُرتَه، قبا، قوقه، گوی انگله، کارفرما، قفل گر، دوکدان، قابله، مشیمه، نافه زن، ارّه، سوهان، روغن خانه، غربیل بیختن، شوشه زر، کوره، شفشه زر، شکسته بند، خلعه دوز، قسطاس.

### نتیجه بحث

با بررسی جلوه‌های کار و تلاش در دیوان سه شاعر برگزیده و کنش و واکنش‌های گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف در آثار ایشان به این نتیجه می‌رسیم که هر یک با توجه به نوع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده‌اند و اقتضائات زمانی خویش و با توجه به تجربیات و دانش‌ها و دریافت‌های خود از محیط جامعه خویش، به دور از مدح و مدیحه‌سرایی، خود را در مقابل جامعه مسئول دانسته و به نقد اجتماعی و مشاغل نیز پرداخته‌اند.

حکیم سنایی، مخالف سرسخت و بی‌پروای بطالت و بیکاری است و امر به نیکی و راه راست از موضوعات بسیار رایج دیوان اوست. وی با توجه به دانش و توانمندی خویش در علوم زمان و تجارب و دانش اجتماعی خویش، به ترکیب آفرینی‌هایی در حوزه مشاغل و کار دست یازیده است.

یکی از نقاط قوت زبان و بیان/انوری ساختار طبیعی زبان شعر اوست که از نحوی بسیار ساده و نزدیک به زبان گفتار برخوردار است و همین مهم موجب گسترش نفوذ وی در میان اقشار مختلف اجتماع گردیده است. وی بر این عقیده است که تعدد و تنوع مشاغل در اجتماع، لازمه کار اجتماعی و هر یک تکمیل‌کننده کار دیگری است و جامعه ناگزیر از این تنوع است؛ به نظر وی هر شغلی در جامعه تکمیل‌کننده شغل دیگری است. انوری بهترین کار در جهان را کاری می‌داند که از نفع آن، سایر مردم بهره‌مند گردند.

خاقانی شاعری را صرفاً برای کسب مال به کار نگرفته و از آن افراد تند ذهن و تیز احساسی است که ناهنجاری‌های زندگی و اجتماعی آن‌ها را رنج می‌دهد؛ با توجه به اطلاعات و نیز تجربه خود خاقانی از کارها و مشاغل روزگار و محیط اطراف به ویژه به واسطه شغل پدر و مادرش و ارتباطاتی که از نزدیک با اقشار و طبقات مختلف جامعه پیدا می‌نموده است، ما در دیوان خاقانی بیش از هر شاعر دیگر به اصطلاحات و ابزار و واژگان کار مواجه می‌شویم.

## کتابنامه

- انوری. ۱۳۷۲ش، **دیوان**، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهمنیار، احمد. ۱۳۶۹ش، **داستان نامه بهمنیاری**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورهمایون، علی اصغر. ۱۳۴۴ش، **اقتصاد**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیرو، آن. ۱۳۷۰ش، **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر روحانی، تهران: مؤسسه کیهان.
- توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۶ش، **جامعه شناسی کار و شغل**، تهران: انتشارات سمت.
- چند بهار، لاله تیک. ۱۳۸۰ش، **بهار عجم**، تصحیح دکتر دزفولیان، تهران: انتشارات طلایه.
- حکیم سنایی. ۱۳۲۹ش، **حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة**، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- خاقانی شروانی. ۱۳۶۸ش، **دیوان**، تصحیح دکتر ضیاء الدین سجادی، تهران: انتشارات زوار.
- دشتی، علی. ۱۳۶۴ش، **خاقانی شاعری دیر آشنا**، تهران: انتشارات اساطیر.
- راوندی، مرتضی. ۱۳۴۱ش، **تاریخ اجتماعی ایران**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، رضا. ۱۳۸۸ش، **مبانی تاریخ اجتماعی ایران**، چاپ نهم، تهران: انتشارات قومس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۰ش، **تازیانه‌های سلوک**، تهران: انتشارات آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۹ش، **مفلس کیمیا فروش**، تهران: انتشارات سخن.
- شهیدی، سیدجعفر. ۱۳۸۷ش، **شرح لغات و مشکلات دیوان انوری**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کزازی، میرجلال الدین. ۱۳۷۶ش، **رخسار صبح**، تهران: نشر مرکز.
- گلچین معانی، احمد. ۱۳۸۰ش، **شهر آشوب در شعر فارسی**، تهران: نشر روایت.
- محمدخانی، علی اصغر و محمود فتوحی. ۱۳۸۵ش، **شوریده‌ای در غزنه**، تهران: انتشارات سخن.
- محمودی بختیاری، علیقلی. ۱۳۵۳ش، **زمینه فرهنگ و تمدن ایران**، تهران: نشر مدرسه عالی بازرگانی.
- مسعود سعد سلمان. ۱۳۶۵ش، **دیوان**، تصحیح دکتر مهدی نوریان، اصفهان: انتشارات کمال.
- معدن کن، معصومه. ۱۳۷۵ش، **نگاهی به دنیای خاقانی**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معیدفر، سعید. ۱۳۸۰ش، **فرهنگ کار**، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- معین، محمد. ۱۳۸۷ش، **فرهنگ فارسی نوین**، تهران: انتشارات بهزاد.

## مقالات

- آقاجانی چاوشی. ۱۳۹۰ش، «شهر آشوب در شعر مسعود سعد سلمان»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی فسا، شماره ۳.
- جعفری، مصطفی و محمود حبیبی. ۱۳۸۱ش، «فرهنگ کار»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۲۵.
- فرهادی، مرتضی. ۱۳۹۰ش، «حرکت و کار در اندیشه و آیین‌های ایرانی و یونانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۵.
- فیوضات، ابراهیم و مجید حسینی نثار. بهار و تابستان ۱۳۸۳ش، «بررسی جایگاه کار و کوشش در شعر فارسی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۱-۳۲، صص ۱۳۰-۱۰۵.
- موسوی سیرجانی، سهیلا. ۱۳۹۱ش، «تطبیق مفهوم توکل در نگاه خواجه عبدالله انصاری و سنایی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، پاییز، شماره ۲۳.
- وکیلی، افشین. ۱۳۹۲ش، «بررسی مفهوم کار»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مجله موج، شماره ۷۶.

## Bibliography

- Anvari, 1993, Divan, by Mohammad Taqi Modarres Razavi, Tehran: Scientific and Cultural Publications .
- Bahmanyar, Ahmad 1990, Bahmanyari story book, Tehran: University of Tehran Press.
- Pourhamayoun, Ali Asghar. 1965, Economics, Tehran: University of Tehran Press .
- Piero, Allen. 1991, Culture of Social Sciences, translated by Baqer Rouhani, Tehran: Kayhan Institute.
- Tavassoli, Gholamabbas 1997, Sociology of Work and Occupation, Tehran: Samat Publications.
- Chand Bahar, Laleh Tik. 2001, Ajam Bahar, edited by Dr. Dezfulian, Tehran: Talaieh Publications.
- Hakim Sanaei. 1950, Hadith of Truth and Sharia of the Way, edited by Mohammad Taghi Modarres Razavi, Tehran: University of Tehran.
- Khaghani, Shervani, 1989, Divan, edited by Dr. Ziauddin Sajjadi, Tehran: Zavar Publications .
- Dashti, Ali 1985, Khaghani, a well-known poet, Tehran: Asatir Publications .
- Ravandia, Morteza 1962, Social History of Iran, Tehran: AmirKabir Publications .
- Shabani, Reza 2009, Fundamentals of Social History of Iran, ninth edition, Tehran: Qoms Publications .
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 2001, Behavior Whips, Tehran: Agah Publications .
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 2010, Poor Kimia Forosh, Tehran: Sokhan Publications .
- Shahidi, Seyed Jafar 2008, Description of words and problems of Anvari Divan, Tehran: Scientific and cultural publications .
- Kazazi, Mir Jalaluddin 1997, Rokhsar Sobh, Tehran: Markaz Publishing .

- Anthology of meanings, Ahmad 2001, The City of Chaos in Persian Poetry, Tehran: Narration Publishing .
- Mohammad Khani, Ali Asghar and Mahmoud Fotouhi. 2006, Shurideh in Ghazne, Tehran: Sokhan Publications .
- Mahmoudi Bakhtiari, Aliqoli 1974, Background of Iranian Culture and Civilization, Tehran: Publication of the Higher School of Commerce .
- Masoud Saad Salman. 1986, Divan, edited by Dr. Mehdi Nourian, Isfahan: Kamal Publications .
- Madan Kan, Masoumeh. 1996, Taking a Look at Khaghani's World, Tehran: University Publishing Center .
- Moeidfar, Saeed 2001, Culture of Work, Tehran: Institute of Labor and Social Security .
- Moin, Mohammad 2008, Modern Persian Culture, Tehran: Behzad Publications.

#### **Articles**

- Aghajani Chavoshi. 2011, "City of Chaos in the Poetry of Massoud Saad Salman", Journal of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Fasa, No. 3
- Jafari, Mustafa and Mahmoud Habibi. 2002, "Work Culture", Tadbir Monthly, No. 125 .
- Farhadi, Morteza 2011, "Movement and work in Iranian and Greek thought and mirrors", Social Sciences Quarterly, No. 55 .
- Fayuzat, Ibrahim and Majid Hosseini Nisar. Spring and Summer 2004, "Study of the status of work and effort in Persian poetry", Journal of Humanities, No. 32-31, pp. 130-105 .
- Mousavi Sirjani, Soheila. 2012, "Application of the concept of trust in the view of Khajeh Abdullah Ansari and Sanaei", Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Fall, No. 23 .
- Vakili, Afshin 2013, "Study of the concept of work", Institute of Humanities and Cultural Studies, Moj Magazine, No. 6 and 7 .

## **The manifestation of work and effort from the point of view of Hakim Sanaei, Hakim Anvari and Khaghani Shervani**

**Mohammad Rayat:** PhD Student in Persian Language and Literature- Islamic Azad University, Mashhad Branch

**Mohammad Shah Badizadeh:** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Mashhad Branch  
Amirrezas610@yahoo.com

**Mahmoud Mahdavi Damghani:** Retired Associate Professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad

### **Abstract**

Exploring the depths of ancient Iranian literature, as an important historical document, leads us to become more familiar with our social past; Work and effort to continue living and meeting the needs of self and fellow human beings has been a necessity from the past to the present. The existence of many proverbs about work and effort shows its importance to the elders and the accuracy of the people in spreading the culture of work. As a culture of popular literature and sociological view, referring to Sanai, Anvari and Khaghani Divan, as the leaders of social criticism, we see that Sanai, after the transformation period, criticized society, especially jobs, and he doesn't have fear of criticizing king to beggar with a unique courage and he is strongly opposed to unemployment. Anvari considers the multiplicity and variety of jobs as a necessity of social work, and according to his simple language and expression which is close to his speech, many proverbs and rulings about work have been left from him.

**Keywords :** Work, Effort, Acquisition, Sanai, Khaghani, Anvari.